

فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه  
سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۲، صص ۳۱-۵۵

## بررسی واژگان خویشاوندی هورامی بر اساس معیارهای مورد اک<sup>۱</sup>

بیستون عباسی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور

کریستین کزازی

استادیار دانشگاه آشتات

### چکیده

به‌رغم مطالعات بسیاری که با هدف توصیف مسائل زبان‌شناختی زبان‌های ایرانی انجام گرفته‌اند، مسائل معنی‌شناختی و مردم‌شناختی این زبان‌ها تا حدی مورد غفلت بوده‌است. این مسأله به ویژه در مورد زبان‌ها و گویش‌های غرب کشور مصداق پیدا می‌کند. مطالعه حاضر در پی آن است تا با بهره‌گیری از مفاهیم نظری موجود در معنی‌شناسی و انسان‌شناسی، به ویژه آرای مورد اک، واژگان خویشاوندی و مفاهیم مرتبط با آن را در زبان هورامی، گونه‌ای که در شهر پاوه بدان تکلم می‌شود، مورد بررسی قرار دهد. در نتیجه این پژوهش تعداد ۶۳ واژه خویشاوندی هورامی، شامل ۲۷ واژه نسبی، ۱۸ واژه سببی، ۹ واژه ناتنی و ۹ واژه خویشاوندی جمعی، استخراج شده و بر اساس معیارهای مورد اک و ارزشهای چندگانه هر کدام طبقه‌بندی شدند.

**کلیدواژه‌ها:** هورامی، واژگان خویشاوندی، نسل، وصلت، فرود.

## ۱- مقدمه

روابط خویشاوندی، چگونگی فرمول‌بندی آنها و اینکه این روابط در هر زبانی چگونه نمود واژگانی پیدا می‌کنند، موضوعی است که از دیرباز مورد توجه پژوهش‌گرانی از رشته‌های مختلف، بویژه زبان‌شناسی و انسان‌شناسی، قرار گرفته است. سابقه بررسی واژگان خویشاوندی به اواسط قرن نوزدهم باز می‌گردد، زمانی که لوئیس هنری مورگان<sup>۳</sup> (۱۹۲۲ [۱۸۵۱])، انسان‌شناس آمریکایی، زبان‌های سرخپوستی قبایل ایرکوی<sup>۴</sup> را مورد بررسی قرار داد. وی با این پژوهش بنیان‌گذار مطالعات خویشاوندی شد، چرا که قبل از او کسی مستقیماً به بررسی خویشاوندی نپرداخته بود (تراومن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). پس از مورگان نیز بررسی واژگان خویشاوندی، هم در انسان‌شناسی و هم در زبان‌شناسی، ادامه یافت. کارهای فوکس<sup>۶</sup> (۱۸۹۴a و ۱۸۹۴b)، واکر<sup>۷</sup> (۱۹۱۴)، سایپیر<sup>۸</sup> (۱۹۱۸) و بوآز<sup>۹</sup> (۱۹۱۹) از این جمله‌اند. از دهه ۵۰ میلادی نیز استفاده از روش «تحلیل مؤلفه‌ای»<sup>۱۰</sup> برای بررسی واژگان خویشاوندی، با کارهای گودایناف<sup>۱۱</sup> (۱۹۵۶)، لونزبری<sup>۱۲</sup> (۱۹۵۶) و والاس<sup>۱۳</sup> و اتکینز<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۰) آغاز شد.

به‌رغم اهمیت موضوع، واژگان خویشاوندی در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است. ظاهراً تنها مطالعه موجود در مورد واژگان خویشاوندی زبان فارسی توسط باطنی (۱۳۵۴) و با روش تحلیل مؤلفه‌ای انجام گرفته است. در مورد زبان‌های کردی نیز تنها بررسی انجام شده توسط قیطوری و همکاران (۲۰۱۰) بوده که ایشان نیز، به همان روش اما با نسخه دیگری از آن، واژگان خویشاوندی گویش کلهری را مطالعه کرده‌اند. علاوه بر این

3. Lewis Henry Morgan

4. Iroquois

5. Thomas R. Trautmann

6. J. Walter Fewkes

7. James R. Walker

8. Edward Sapir

9. Franz Boas

10. componential analysis

11. Ward H. Goodenough

12. Floyd G. Lounsbury

13. Anthony F. C. Wallace

14. John Atkins

دو، محمودی بختیاری (۲۰۰۹) نیز خبر از پژوهش در حال انجامی داده است که واژگان خویشاوندی ۶۰ زبان ایرانی غربی (از جمله فارسی، گورانی، سورانی، کلهری، زازا و ...) را بررسی می‌کند.

هورامی (اورامی) گویشی است که در منطقه‌ای موسوم به هورامان (اورامان) در غرب ایران، در استان‌های کرمانشاه و کردستان و در شرق کردستان عراق بدان تکلم می‌شود. مکنزی<sup>۱۵</sup> هورامی را گویشی از زبان گورانی و کهن‌ترین گویش آن می‌داند (۱۹۸۷ و ۲۰۰۲). گونتر<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۳) نیز بر همین اعتقاد است اما بر سر ارتباط هورامی و گورانی با زبان کردی نظر متفاوتی دارد. در حالی که مکنزی گویش‌های گورانی را «همسایگان» یا «جزیره‌های دریای کردی» (۱۹۶۱: ۷۳) می‌نامد و سعی دارد نشان دهد که برخلاف کردی و فارسی، خصیصه‌های زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی را دارا هستند (همان) و برای اثبات شباهتشان با زبان پارسی کهن، باز برخلاف کردی و فارسی، شواهد واج‌شناختی می‌آورد (۲۰۰۲)، گونتر، علی‌رغم اعتقاد به شمالی بودن گورانی و جنوبی بودن کردی، به سادگی هورامی و گورانی را گویش‌های زبان کردی معرفی کرده و اعلام می‌کند که تنها تعداد کمی از پژوهش‌گران معتقدند که گورانی یک گویش کردی نیست (۲۰۰۳: ۵۸). در تقسیم‌بندی چهارگانه‌هایگ<sup>۱۷</sup> از زبان‌های کردی نیز، گورانی، همراه با زازا، به عنوان زیرگروه چهارم زبان کردی معرفی می‌گردد (۲۰۰۴: ۹). البته وی نیز اذعان می‌کند که پژوهشگران بسیاری بر این باورند که این زبان‌ها کردی نیستند و نباید آنها را در زمره زبان‌های کردی به شمار آورد (همان). علاوه بر رده‌بندی فوق، تقسیم‌بندی دوگانه دیگری نیز وجود دارد که زبان‌های کردی را به دو دسته عمده کرمانجی و پهلوانی تقسیم می‌کند و بر اساس آن گورانی و زازا زبان‌های پهلوانی و البته کردی هستند (مهو<sup>۱۸</sup> و مگ‌لاولین<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۱: ۵). بنابراین، تنها نتیجه‌ای که تا اینجا می‌توان گرفت این است که هورامی گویشی از زبان گورانی و از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است.

---

15. D. N. MacKenzie

16. Michael M. Gunter

17. Geoffrey Haig

18. Lokman I. Meho

19. Kelly L. Maglaughlin

هورامی تنوع لهجه‌ای بسیار گسترده‌ای دارد، به طوری که گاهی تفاوت‌ها به حدی می‌رسد که عبارت «تنوع لهجه» کارآمد نبوده و باید از تنوع گویش سخن گفت. این تفاوت‌ها در آواشناسی، واژگان و حتی نحو نیز به چشم می‌خورد. بنابراین، در پژوهش حاضر تنها گونه‌ای از هورامی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در شهر پاوه مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که این گونه بیشتر از دیگر گونه‌های هورامی که عبارتند از لهونی، ژاوه‌رویی و تختی، مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. جهت آشنایی بیشتر با این گونه از زبان هورامی، علاقمندان می‌توانند به آثار زیر مراجعه کنند: سلیمی (۱۳۹۲)، کریمی دوستان و نقشبندی (۱۳۹۰)، راسخ مهند و نقشبندی (۱۳۹۲) نقشبندی (۱۳۹۲)، هولم‌برگ و اودن (۲۰۰۴)، عباسی و قیطوری (۲۰۱۲) و عباسی و همکاران (زیر چاپ).

## ۲- روش پژوهش

ضبط واژگان خویشاوندی هورامی به صورت مشاهده مشارکتی طی ۶ ماه، توسط نگارنده که خود گویشور بومی اورامی است، انجام شد. در مرحله نخست، واژگان هدف در گفتار عادی گویشوران و در موقعیت‌های اتفاقی یادداشت و ثبت می‌شد؛ اما این روش دو نقص عمده داشت: یکی اینکه با توجه به عدم اطلاع از پیشینه زبانی و قومی گویشوران، نمی‌شد از بومی بودن واژه و همچنین معنای آن اطمینان حاصل کرد؛ و دوم اینکه با این روش اطلاعات معنایی چندانی به دست نمی‌آمد. همین مسئله انجام مصاحبه و حصول اطمینان از بومی بودن و صحت داده‌های بدست آمده را ضروری می‌ساخت.

مصاحبه‌ها در دو مرحله مجزا انجام شد، در مرحله اول ۱۳ مصاحبه و در مرحله دوم ۲۹ مصاحبه. مصاحبه‌های مرحله اول بسیار جامع و به لحاظ زمانی، طولانی و با هدف استخراج همه واژگان خویشاوندی و در عین حال تعیین مصداق‌های آنها انجام شد. از شرکت‌کنندگان در این مصاحبه‌ها ۲ نفر زیر بیست سال، ۳ نفر بین بیست تا سی سال، ۳ نفر بین سی تا پنجاه سال و ۵ نفر دیگر بیش از پنجاه سال سن داشتند. پس از انجام بررسی‌های اولیه روی داده‌های مرحله اول مصاحبه‌ها و مقایسه آنها با داده‌های بدست آمده از طریق مشاهده‌ها، واژه‌ها یا معنایی که دارای ابهام بودند یا دقت بیشتری می‌طلبدند مشخص شدند. در مصاحبه‌های مرحله دوم، علاوه بر رفع ابهامات مذکور، بار دیگر بر

حوزه مصداق‌های واژه‌ها تأکید شد. مصاحبه‌های این مرحله، اما کوتاه‌تر و موجزتر بودند و شرکت کنندگان در آنها بیشتر افراد بزرگسال و مسن بودند.

شرکت کنندگان در هر دو مرحله با توجه به پیشینه زبانی و قومی و با حصول اطمینان از بومی بودن انتخاب شدند؛ و با این فرض که افراد مسن‌تر (به واسطه بی‌سوادی یا کم‌سواد، ارتباطات محدودتر، استفاده کمتر از رسانه‌ها، عدم توجه به پرستیژ واژه‌ها و...) زبان بکرتر و واژگان بومی‌تری دارند، بیشتر مصاحبه شونده‌گان از میان آنان انتخاب شدند. نکته جالب توجه اینکه در استفاده از واژگان نسبی، هیچ تفاوتی میان نسل‌های مختلف مشاهده نشد، هر چند که جوان‌ترها با تعدادی از واژه‌های واژگان نسبی و ناتنی آشنایی نداشتند. تفاوت اساسی میان جوان‌ترها و مسن‌ترها در واژگان خطاب بود (که البته برای پژوهش حاضر به نوعی حاشیه‌ای است)، جوان‌ترها تمایل دارند که به جای واژگان خطاب بومی متعدد و مختلفی که در موقعیت‌ها و بافت‌های مختلف به کار می‌روند، از دو وام‌واژه *xanm* و *aya*، که به ترتیب از آقا و خانم فارسی گرفته شده‌اند، استفاده کنند.

نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است قضاوت بر سر تعلق یا عدم تعلق یک عبارت به فهرست واژگان خویشاوندی است. چنان‌که بعداً در خلال متن مشخص می‌شود، واژه‌های خویشاوندی ساده می‌توانند به دفعات نامحدودی با هم ترکیب شده و عبارت‌هایی برای ارجاع به خویشاوندان فاقد واژه‌ای خاص تولید کنند، مانند: پسرعموی پدرزن برادرخانم؛ اما واضح است که چنین ترکیبی را نمی‌توان یک واژه منفرد خویشاوندی به حساب آورد. از آنجا که فی‌البداهه نمی‌توان معیاری صوری و ساختی برای تفکیک عبارت‌های خویشاوندی تعیین کرد، قضاوت بر سر این مسأله به عهده گویشوران گذاشته شد. عبارت مرکبی که گویشوران به عنوان یک واژه منفرد می‌شناسند، یک واژه خویشاوندی به شمار آمده و در فهرست گنجانده شده است و در غیر این صورت از فهرست حذف شده است. نتایج نشان می‌دهند که عبارت‌های مرکب تا جایی که عنصر اضافه وارد ترکیب آنها نشده واژگان خویشاوندی منفرد به شمار می‌آیند.

## ۳- داده‌ها

داده‌هایی که در این پژوهش معرفی می‌شوند عبارتند از: واژگان خویشاوندی نسبی یا خونی، واژگان خویشاوندی سببی، واژگان خویشاوندی ناتنی و واژگان خویشاوندی جمعی. براساس سنت مطالعات خویشاوندی، معرفی و توصیف یک واژه خویشاوندی یعنی تعیین حوزه ارجاع یا مصداق‌های آن با ذکر خویشاوندانی که واژه مورد نظر برای نامیدن آنها به کار می‌رود. در این فرایند یک واژه خویشاوندی با واژه‌های خویشاوندی دیگر معرفی می‌شود، اما با واژگان مورد استفاده برای خویشاوندان پایه یا اولیه<sup>۲۰</sup> که عبارتند از هشت واژه پدر، مادر، برادر، خواهر، پسر، دختر، زن و شوهر (والاس و اتکینز، ۱۹۶۰: ۵۸). در ادامه هر گروه از واژه‌های خویشاوندی در جداول جداگانه‌ای به ترتیب نسل و با معنای (تقریبی) فارسی آنها و فهرست مصداق‌هایشان ارائه می‌شوند. برای واج‌نویسی داده‌های هورامی از الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) استفاده شده است.

## جدول شماره ۱: واژگان خویشاوندی نسبی

واژه	مصداق‌ها	معنی
bawa gæwræ	پدرِ پدرِ پدر، پدرِ مادرِ مادر، پدرِ مادرِ پدر، پدرِ مادرِ مادر	پدر جد
daða gæwræ <sup>۲۱</sup>	مادرِ مادرِ مادر، مادرِ مادرِ پدر، مادرِ پدرِ مادر، مادرِ پدرِ پدر	مادر جد
bawa	پدرِ پدر، پدرِ مادر	پدر بزرگ
daða	مادرِ مادر، مادرِ پدر	مادر بزرگ
babæ	پدر	پدر
æða	مادر	مادر
lalo	برادرِ مادر	دایی
mamo	برادرِ پدر	عمو
deðe	خواهرِ مادر، خواهرِ پدر	عمه، خاله
bra	برادر	برادر
wæ	خواهر	خواهر

## 20. primary/primitive

۲۱. در هورامی یک آوای ناسوده بین دندانی وجود دارد که رفتار عجیبی در نظام آوایی دارد، به این صورت که گاهی واجگونه **d** و گاهی واجگونه **t** است، محل وقوع آن بیشتر پایان واژه است و هیچ‌گاه در جایگاه آغازین ظاهر نمی‌شود. این آوا، به رغم واجگونه بودن، به علت کاربرد فراوان آن در زبان و تأثیری که بر زیبایی تلفظ واژگان هورامی می‌گذارد، در آوا نگاری‌ها ثبت شده و به صورت **d** نشان داده شده است. مکنزی نیز به این آوا، به عنوان دو واجگونه **d** و **t**، اشاره کرده و در آوانگاری آنها را به صورت **d** و **t** به کار برده است (مکنزی، ۱۹۶۶: ۷-۸).

بررسی واژگان خویشاوندی هورامی براساس معیارهای مورد اک / ۳۷

laloza	پسر برادرِ مادر، دختر برادرِ مادر	دایی زاده
mamoza	پسر برادرِ پدر، دختر برادرِ پدر	عمو زاده
deḡæza	پسر خواهرِ مادر، دختر خواهرِ مادر، پسر خواهرِ پدر، دختر خواهرِ پدر	عمه زاده، خاله زاده
kor	پسر	پسر
knafje	دختر	دختر
braza	پسر برادر، دختر برادر	برادر زاده
waræza	پسر خواهر، دختر خواهر	خواهر زاده
lalozaza	پسر پسر برادرِ مادر، دختر پسر برادرِ مادر، پسر دختر برادرِ مادر، دختر دختر برادرِ مادر	نوه دایی
mamozaza	پسر پسر برادرِ پدر، دختر پسر برادرِ پدر، پسر دختر برادرِ پدر، دختر دختر برادرِ پدر	نوه عمو
deḡæzaza	پدر، پسر پسر خواهرِ مادر، دختر پسر خواهرِ مادر، پسر دختر خواهرِ مادر، دختر دختر خواهرِ مادر	نوه عمه، نوه خاله
koræza	پسر پسر، دختر پسر	نوه پسر
knafjæza	پسر دختر، دختر دختر	نوه دختری
brazaza	پسر پسر برادر، دختر پسر برادر، پسر دختر برادر، دختر دختر برادر	نوه برادر
waræzaza	پسر پسر خواهر، دختر پسر خواهر، پسر دختر خواهر، دختر دختر خواهر	نوه خواهر
koræzaza	پسر پسر پسر، دختر پسر پسر، پسر دختر پسر، دختر دختر پسر	نتیجه (از نوه پسر)
knafjæzaza	پسر پسر دختر، دختر پسر دختر، پسر دختر دختر، دختر دختر دختر	نتیجه (از نوه دختری)

جدول شماره ۲: واژگان خویشاوندی سببی

واژه	مصادق	معنی
hæsuræ	پدر شوهر، پدر زن	پدر شوهر و پدر زن
hæsrwæ	مادر شوهر، مادر زن	مادر شوهر و مادر زن
lalo zæni	زن برادرِ مادر	زن دایی
mamo zæni	زن برادرِ پدر	زن عمو
fu	شوهر	شوهر
zæni	زن	زن
zæn bra	برادرِ زن	برادر زن
zæn wa	خواهرِ زن	خواهر زن
hewær	برادرِ شوهر	برادر شوهر
sete	خواهرِ شوهر	خواهر شوهر
hewær zæni	زن برادرِ شوهر	جاری
ham zæma	شوهرِ خواهرِ زن	باجناغ
bra zæni	برادرِ زن	زن داداش
hæwo	زن شوهر	هوو
zæma	شوهرِ دختر	داماد
weywæ	زنِ پسر	عروس
setæza	پسر خواهرِ شوهر، دختر خواهرِ شوهر	
hewæræza	پسر برادرِ شوهر، دختر برادرِ شوهر	

## جدول شماره ۳: واژگان خویشاوندی ناتنی

واژه	مصادق
zir-bawa	پدرِ ناپدری، پدرِ نامادری
zir-daqa	مادرِ ناپدری، مادرِ نامادری
bawa pyaræ	ناپدری
bawa zæni	نامادری
zir-mamo	برادرِ ناپدری
zir-lalo	برادرِ نامادری
zir-dəḡə	خواهرِ ناپدری، خواهرِ نامادری
hænæza	پسرِ شوهر، دخترِ شوهر
kolæbæs	پسرِ زن، دخترِ زن

## جدول شماره ۴: واژگان خویشاوندی جمعی

واژه	مصادق
bawan	والدین و والدینشان و والدینِ والدینشان
hæsuran	پدر و مادر و برادران و خواهرانِ زن یا شوهر
lalwan (xałwan)	برادرانِ مادر و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانِ مادر
mamwan	برادرانِ پدر و فرزندانِ پدر و فرزندانِ فرزندانِ پدر
dəḡə-w-dəḡæza	خواهرانِ پدر و مادر و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانِ مادر
bra-w-braza	برادرانِ مادر و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانِ مادر
waræ-w-waræza	خواهرانِ پدر و فرزندانِ پدر و فرزندانِ فرزندانِ پدر
kör-ü-koræza	پسرانِ مادر و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانِ مادر
knaɟfæ-w-knaɟfæza	دخترانِ پدر و فرزندانِ پدر و فرزندانِ فرزندانِ پدر

## ۴- تحلیل داده‌ها

«نظام‌های خویشاوندی یکی از جهانی‌های فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهند» (مورداک ۲، ۱۹۴۹: ۹۶). هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که پیوندهای میان خویشاوندان را به لحاظ فرهنگی نادیده بگیرد. دورترین روابط خویشاوندی نیز که در نتیجهٔ قلت ارتباط رو به فراموشی می‌گذارند، باز به کمک سنت‌ها حفظ می‌شوند؛ اما چنان که مورداک می‌گوید، هر فرد در هر جامعه‌ای، به طور بالقوه، ۷ نوع خویشاوند درجه یک (با در نظر گرفتن قابلیت تفکیک همسر به زن و شوهر، ۸ نوع)، ۳۳ نوع خویشاوند درجه دو، ۱۵۱ نوع خویشاوند درجه سه و بیشمار خویشاوند دورتر دارد؛ و روشن است که تخصیص یک واژهٔ خویشاوندی متمایز به هر کدام از این انواع، اگر نه غیر ممکن اما بسیار دشوار است و هیچ جامعه‌ای عملاً



چنین نمی‌کند. در همه جوامع تعداد این مقولات با دسته‌بندی خویشاوندان کاهش یافته و به حد معقولی می‌رسد. روش‌های متفاوت این دسته‌بندی به نظام‌های خویشاوندی متفاوت در جوامع مختلف می‌انجامد (همان: ۹۶-۹۷).

واژگان خویشاوندی بر سه اساس تقسیم‌بندی می‌شوند: بر اساس «طرز استفاده»<sup>۲۳</sup>، «ساخت زبانی»<sup>۲۴</sup> و «گستره کاربرد»<sup>۲۵</sup>. از نظر طرز استفاده، واژگان خویشاوندی برای «خطاب مستقیم»<sup>۲۶</sup> یا برای «ارجاع غیر مستقیم»<sup>۲۷</sup> به کار می‌روند. از نظر ساخت زبانی واژگان خویشاوندی «بنیادی»<sup>۲۸</sup>، «اشتقاقی»<sup>۲۹</sup> یا «توصیفی»<sup>۳۰</sup> هستند. واژگان بنیادی ساده و غیر قابل تجزیه‌اند، اما واژگان اشتقاقی از یک واژه بنیادی و یک یا چند واژه بدون معنای خویشاوندی و واژگان توصیفی از دو یا چند واژه بنیادی تشکیل شده‌اند. البته واژه‌های توصیفی به ندرت در فهرست واژگان خویشاوندی ظاهر می‌شوند و بیشتر کاربرد رفع ابهام دارند (مثلاً در مورد واژه‌هایی مانند پدر بزرگ که می‌تواند با پدر پدر یا پدر مادر توصیف شود)؛ و بالاخره، بر اساس گستره کاربرد، واژگان خویشاوندی یا «تفکیکی»<sup>۳۱</sup> هستند که برای تنها یک مقوله خویشاوندی مانند پدر یا مادر به کار می‌روند، یا «رده‌ای»<sup>۳۲</sup> که برای دو یا چند مقوله (مانند مادر بزرگ که شامل دو مقوله مادر پدر و مادر مادر است به کار می‌روند). تعدیل پیش گفته در تعداد مقولات خویشاوندی از طریق این دسته اخیر از واژه‌ها و استفاده نسبتاً آزاد از آنها است. (همان: ۹۷-۹۹).

یک واژه رده‌ای تنها با نادیده گرفتن یک یا چند تمایز اساسی میان خویشاوندان به وجود می‌آید. شش معیار اصلی که اگر از لحاظ زبانی اساس تمایز اصطلاح‌شناختی<sup>۳۳</sup> قرار گیرند واژگان تفکیکی و اگر نادیده گرفته شوند واژگان رده‌ای به دست می‌دهند، عبارتند از:

23. mode of use
24. linguistic structure
25. range of application
26. direct address
27. indirect reference
28. elementary
29. derivative
30. descriptive
31. denotative
32. classificatory
33. terminological

نسل، جنس، وصلت<sup>۳۴</sup>، فرود<sup>۳۵</sup>، سوی<sup>۳۶</sup> و قطیبت<sup>۳۷</sup>. علاوه بر اینها سه معیار فرعی و کمکی دیگر نیز وجود دارند که از شمول یک واژه رده‌ای کاسته و یک واژه تفکیکی را اختصاصی‌تر می‌کنند و عبارتند از: سن خویشاوند، جنس گوینده و وفات<sup>۳۸</sup>. سه معیار اخیر در مقایسه با شش معیار قبلی از اهمیت کمتری برخوردارند و در زبان‌های کمتری نیز کاربرد دارند. نه معیار فوق، جداگانه و یا در ترکیب با هم، همه اصولی را که در همه جوامع بشری برای طبقه‌بندی زبانی و ایجاد تمایز میان خویشاوندان به کار می‌روند، در بر دارند. (همان: ۱۰۱)

معیار نسل، که اساس زیست شناختی دارد، خویشاوندان را در چند نسل دسته‌بندی می‌کند. اعمال آن، مثلاً، واژه‌های تفکیکی نظیر برادر و خواهر را در نسل خود<sup>۳۹</sup> در تقابل با واژه‌های تفکیکی مانند دایی و عمو در نسل قبل از خود قرار می‌دهد، اما مثالی از نادیده گرفتن آن در انگلیسی، فارسی و هورامی وجود ندارد. معیار جنس نیز اساسی زیست شناختی دارد و میان خویشاوندان مذکر و مؤنث تمایز ایجاد می‌کند. اعمال آن واژه‌هایی تفکیکی چون برادر و خواهر حاصل می‌کند اما عدم اعمال آن واژه‌های رده‌ای مانند نوه. معیار وصلت ریشه در پدیده اجتماعی جهانی ازدواج دارد و خویشاوندان نسبی را از خویشاوندان سببی متمایز می‌کند، نادیده گرفتن آن در زبان انگلیسی واژه رده‌ای uncle را به دست می‌دهد که شامل عمو، دایی، شوهر عمه و شوهر خاله می‌شود. معیار فرود بر این واقعیت زیست شناختی متکی است که از چند خویشاوند متعلق به یک نسل و جنس برخی به خود نزدیکتر از دیگرانند، مثلاً در خویشاوندان نسبی نسل‌های بعد از خود، فرزندان و نوادگان خود (که با خود در یک خط قرار دارند) از فرزندان و نوادگان همشیران (که در یک خط موازی با خط خود هستند) نزدیکترند. معیار سوی تنها برای خویشاوندان درجه دو و دورتر کاربرد دارد و بر این واقعیت زیست شناختی استوار است که آیا این

34. affinity

35. collaterality

36. bifurcation

37. polarity

38. decedence

39. ego

خویشاوندان به واسطه یک خویشاوند مذکر به خود مرتبط می‌شوند یا به واسطه یک خویشاوند مؤنث. نمونه نادیده گرفتن این معیار در واژه‌های **uncle** و **aunt** و نمونه اعمال آن در برابرهای فارسی آنها یعنی عمو، دایی، عمه و خاله است؛ اما معیار قطبیت ناظر بر این واقعیت جامعه‌شناختی است که لزوماً دو نفر یا دو قطبند که یک ارتباط اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اعمال این معیار دو واژه تفکیکی تولید می‌کند و هر یک از طرفین برای ارجاع به طرف دیگر تنها از یکی از این واژه‌ها استفاده می‌کند، مانند پدر و پسر، خواهر و برادر و عمو و برادرزاده، اما نادیده گرفتن آن به تولید یک واژه رده‌ای می‌انجامد که هر دو طرف برای ارجاع به طرف دیگر از همان واژه استفاده می‌کنند، مانند واژه **cousin** در زبان انگلیسی؛ و اما مسأله علمی اساسی کشف عواملی است که مردم جوامع مختلف را به پذیرش برخی از این معیارها و رد برخی دیگر، به منظور ایجاد تمایز میان بعضی از خویشاوندان و یکسان انگاشتن بعضی دیگر، هدایت می‌کند. (همان: ۱۰۲-۱۰۶)

چنانکه می‌بینیم، موردادک در پی تدوین معیارهایی همگانی برآمده که در صورت‌بندی واژگان خویشاوندی زبان‌های دنیا دخیل‌اند. واژگان خویشاوندی گوناگون زبان‌ها از این واقعیت ناشی می‌شوند که اهل هر زبان گزینش‌های متفاوتی را از این معیارها به عمل می‌آورند و برش‌های معنی‌شناختی گوناگون از مفهوم خویشاوندی از همین رو است.

#### ۴-۱- طبقه‌بندی واژگان خویشاوندی هورامی به روش موردادک

در این قسمت، واژگان خویشاوندی هورامی را به دو شیوه (از سه شیوه معرفی شده توسط موردادک) طبقه‌بندی می‌کنیم. شیوه اول طبقه‌بندی موردادک، به این لحاظ که واژگان خطاب مربوط به حوزه کاربردشناسی بوده و روش پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد، در این مطالعه گنجانده نشده است. دسته‌بندی واژگان خویشاوندی هورامی بر اساس ساخت زبانی و گستره کاربرد، به ترتیب، به قرار جدول‌های شماره ۵ و ۶ است.

جدول شماره ۵: طبقه‌بندی واژگان خویشاوندی هورامی براساس ساخت زبانی

واژه و معنا	نوع واژه	دسته
bawa	پدر بزرگ	بنیادی
dađa	مادر بزرگ	

babæ	پدر		
ædɑ	مادر		
lalo	دایی		
mamo	عمو		
dɛdɛ	عمه، خاله		
bra	برادر		
wɑɛ	خواهر		
kor	پسر		
knɑfɛ	دختر		
hæsuræ	پدر شوهر و پدر زن		
hæsrwæ	مادر شوهر و مادر زن		
ʃu	شوهر		
zæni	زن		
hewær	برادر شوهر		
setɛ	خواهر شوهر		
hæwo	هوو		
zæma	داماد		
weywæ	عروس		
bawa gæwræ	پدر جد	نسبی	اشتقاقی
daɖɑ gæwrɛ	مادر جد		
laloza	دایی زاده		
mamoza	عمو زاده		
dɛdæza	عمه زاده، خاله زاده		
braza	برادر زاده		
waræza	خواهر زاده		
lalozaza	نوه دایی		
mamozaza	نوه عمو		
dɛdæzaza	نوه عمه، نوه خاله		
koræza	نوه پسر		
knɑfæza	نوه دختری		
brazaza	نوه برادر		
waræzaza	نوه خواهر		
koræzaza	نتیجه (از نوه پسر)		
knɑfæzaza	نتیجه (از نوه دختری)		
ham zæma	باجناغ	نسبی	

setæza	پسر و دختر خواهر شوهر		
hewæræza	پسر و دختر برادر شوهر		
zir-bawa	پدرِ ناپدری، پدرِ نامادری	ناتنی	
zir-daða	مادرِ ناپدری، مادرِ نامادری		
bawa pyaræ	ناپدری		
zir-mamo	برادرِ ناپدری		
zir-lalo	برادرِ نامادری		
zir-deðe	خواهرِ ناپدری، خواهرِ نامادری		
bawan	والدین و والدینشان و والدین والدینشان	جمعی	
hæsuran	پدر و مادر و برادران و خواهرانِ زن یا شوهر		
lalwan (xalwan)	برادرانِ مادر و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانشان		
Mamwan	برادرانِ پدر و فرزندانِ پدر و فرزندانِ فرزندانشان		
lalo zæni	زن دایی	سببی	
mamo zæni	زن عمو		
zæn bra	برادر زن		
zæn wa	خواهر زن		
hewær zæni	جاری		
bra zæni	زن داداش		
bawa zæni	نامادری	ناتنی	توصیفی
deðæ-w-deðæza	خواهرانِ پدر و مادر و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانشان	جمعی	
bra-w-braza	برادران و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانشان		
waræ-w-waræza	خواهران و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانشان		
kör-û-köræza	پسران و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانشان		
knafjæ-w-knafjæza	دختران و فرزندانِ مادر و فرزندانِ فرزندانشان		

جدول شماره ۶: طبقه‌بندی واژگان خویشاوندی هورامی براساس گستره کاربرد

رده‌ای		نوع واژه
واژه و معنا		
bawa gæwræ	پدر جد	نسبی
daða gæwræ	مادر جد	
bawa	پدر بزرگ	
daða	مادر بزرگ	
deðe	عمه، خاله	
laloza	دایی زاده	
mamoza	عمو زاده	
deðæza	عمه زاده، خاله زاده	

braza	برادر زاده	
waræza	خواهر زاده	
laloza	نوه دایی	
mamozaza	نوه عمو	
dɛdæzaza	نوه عمه، نوه خاله	
koræza	نوه پسری	
knaɟæza	نوه دختری	
brazaza	نوه برادر	
waræzaza	نوه خواهر	
koræzaza	نتیجه (از نوه پسری)	
knaɟæzaza	نتیجه (از نوه دختری)	
hæsuraɛ	پدر شوهر و پدر زن	سببی
hæsruwæ	مادر شوهر و مادر زن	
setæza	پسر و دختر خواهر شوهر	
hewææza	پسر و دختر برادر شوهر	
zir-bawa	پدر ناپدری، پدر نامادری	ناتنی
zir-daɟa	مادر ناپدری، مادر نامادری	
zir-dɛdɛ	خواهر ناپدری، خواهر نامادری	
hænæza	پسر شوهر، دختر شوهر	
kolæbæs	پسر زن، دختر زن	
bawan	والدین و والدینشان و والدین والدینشان	جمعی
hæsuran	پدر و مادر و برادران و خواهران زن یا شوهر	
lalwan (xaɟwan)	برادران مادر و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
mamwan	برادران پدر و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
dɛdæ-w-dɛdæza	خواهران پدر و مادر و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
bra-w-braza	برادران و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
waræ-w-waræza	خواهران و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
kor-Û-koræza	پسران و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
knaɟæ-w-knaɟæza	دختران و فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان	
<b>تفکیکی</b>		
	واژه و معنا	نوع واژه
babæ	پدر	نسبی
æɟa	مادر	
lalo	دایی	
mamo	عمو	
bra	برادر	
waɟe	خواهر	
kor	پسر	
knaɟe	دختر	

lalo zæni	زن دایی	سببی
mamo zæni	زن عمو	
ʃu	شوهر	
zæni	زن	
zæn bra	برادر زن	
zæn wa	خواهر زن	
hæwær	برادر شوهر	
sete	خواهر شوهر	
hæwær zæni	جاری	
ham zæma	باچناغ	
bra zæni	زن داداش	
hæwo	هوو	
zæma	داماد	
weywæ	عروس	
bawa pyaræ	ناپدری	ناتنی
bawa zæni	نامادری	
zir-mamo	برادر ناپدری	
zir-lalo	برادر نامادری	
* در دو جدول فوق خط واحد نسلیها را از هم جدا می‌کند و خط دوتایی نوع واژگان را از لحاظ نسبی، سببی، ناتنی یا جمعی بودن و خط سه تایی مرز میان دسته‌بندی‌های مورد اک است.		
** واژگان خویشاوندی جمعی از نظر نسل قابل تفکیک نیستند و هر کدام از آنها خویشاوندان چند نسل را در بر می‌گیرند.		

بر اساس جدول شماره ۵، دسته بنیادی تنها شامل واژه‌های نسبی و سببی است، یعنی هیچ‌کدام از واژه‌های ناتنی و جمعی بنیادی نیستند. هیچ‌کدام از واژه‌های نسبی نیز توصیفی نیستند. نکته قابل توجه دیگر در این جدول توزیع واژه‌های مربوط به نسل‌های مختلف در این سه دسته است (باید در نظر داشت که واژگان خویشاوندی جمعی بر اساس نسل قابل تفکیک نیستند). واژه‌های بنیادی تنها واژه‌های مربوط به دو نسل قبل از خود تا یک نسل بعد از خود را شامل می‌شوند، واژه‌های توصیفی نیز تنها واژه‌های مربوط به نسل خود و یک نسل بعد از خود را، اما واژه‌های اشتقاقی واژه‌های مربوط به همه نسل‌ها را از سه نسل قبل از خود تا سه نسل بعد از خود پوشش می‌دهند. همچنین، باید یادآور شد که دو واژه *kolæbæs* و *hænæza* در جدول شماره ۵ نیامده‌اند، زیرا این دو واژه، بر اساس تعریف‌های مورد اک، در هیچ‌کدام از سه گروه مذکور نمی‌گنجد. هر دوی این واژه‌ها که به معنی فرزندان همسر دوم یا چندم هستند، مرکب و شامل دو بخشند، بنابراین بنیادی